

[DOR: 20.1001.1.24237558.1400.6.1.5.8](https://doi.org/10.24237/558.1400.6.1.5.8)

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه بین آنومی و نگرش به سبک زندگی

نامناسب در فضای مجازی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ تا ۶۴ سال شهر یزد)

اکبر زارع شاه‌آبادی^۱

هادی اکبری^۲

میثم غلامی^۳

چکیده

یکی از ابزارهای مهمی که در دهه‌های اخیر نقش بسیار مهمی در تغییر شیوه زندگی افراد داشته است، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، همچون رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بوده که توانسته سبک زندگی افراد را دچار تغییر و تحول و دیدگاه افراد را کاملاً تحت‌الشعاع خود قرار دهند. هدف پژوهش بررسی رابطه بین آنومی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی در بین شهروندان یزدی است؛ که برای رسیدن به اهداف پژوهش از نظریه دورکیم استفاده گردید. پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد کمی از نوع راهبرد پیمایش (توصیفی - همبستگی و تبیینی) بوده است. جامعه آماری ۴۱۱۰۵۱ نفر از شهروندان یزدی بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای ۳۸۴ نفری به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن از طریق صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ-نگرش به سبک زندگی نامناسب (۰/۸۳۹)، آنومی مجازی (۰/۷۰۸) و آنومی اجتماعی (۰/۷۴۱) - به دست آمده است. همچنین برای تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای Spss۲۴ و Amos۲۴ استفاده و برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شده است. یافته‌های نشان داد که

1. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران

3. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران

1. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران

3. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران

بیشترین نوع استفاده از فضای مجازی به ترتیب مربوط به برنامه اینستاگرام (۲/۸۵)، تلگرام (۲/۱۳)، واتس آپ (۱/۸۹) و وبسایت‌ها (۱/۰۷) و کمترین میزان استفاده از این فضا به ترتیب مربوط به برنامه سروش (۰/۰۲)، ویجت (۰/۰۴) و لاین (۰/۰۸) است. میزان نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی در بین شهروندان یزدی در سطح متوسطی (۳۵/۹۳)، آنومی اجتماعی (۱۹/۰۱) و آنومی مجازی (۱۵/۸۰) که هر دو بالاتر از حد متوسطی هست در جامعه یزد وجود دارد. همچنین میانگین کل آنومی برابر با (۳۴/۷۹) در حد متوسطی قرار دارد. بین آنومی اجتماعی و مجازی با نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی رابطه مثبت و معنی‌داری (۰/۰۰۰۱) وجود دارد. همچنین تحلیل رگرسیونی نشان داد که ۳۲ درصد از واریانس نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی توسط متغیر آنومی در فضای تبیین می‌شود. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی یکی از اصلی‌ترین عوامل تغییرات ساختاری جوامع، شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که موجب تغییر سریع ساختارهای اجتماعی می‌شوند و این امر با وجود آنومی در فضای مجازی و اجتماعی می‌تواند آسیب‌زا باشد؛ که با آموزش‌های کاربردی می‌توان نقش سازنده‌ای در تغییر آن داشت.

واژگان کلیدی: آنومی مجازی، بی‌هنجاری، فضای مجازی، سبک زندگی.

A sociological study of the relationship between anomie and inappropriate lifestyle attitudes in cyberspace (Case study: citizens aged 18 to 64 years in Yazd)

A. Zare Shahabadi¹
H. Akbari²
M. Gholami³

Abstract

One of the most important tools that has played a very important role in changing people's lifestyles in recent decades is new communication technologies, such as media and virtual networks, which have been able to change people's lifestyles. To completely overshadow the views of the people. The purpose of this study is to investigate the relationship between anomie and attitudes toward inappropriate lifestyle in cyberspace among Yazdi citizens. Durkheim's theory was used to achieve the research objectives. The present study is based on a quantitative approach of the survey strategy type (descriptive-correlation and explanatory). The statistical population was 411051 Yazdi citizens who were examined using Cochran's formula of 384 samples by three-stage cluster sampling. The research instrument was a researcher-made questionnaire, the validity of which was determined by its form and its reliability by Cronbach's alpha - attitude to inappropriate lifestyle (0.839), virtual anomie (0.708) and social anomie (0.741) - Has been achieved. Also, Spss24 and Amos24 software were used to analyze the research data and descriptive and inferential statistics were used to

¹ . Associate Professor, Department of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran
(Corresponding Author) a_zare@yazd.ac.ir

² . Master of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran hadi64akbari@gmail.com

³ . Master of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran
Meysam.gholami.1994@gmail.com

analyze the findings. Findings showed that the most types of cyberspace use are related to Instagram (2.85), Telegram (2.13), WhatsApp (1.89) and websites (1.07), respectively, and the lowest use of this the space is related to Soroush (0.02), WeChat (0.04) and Line (0.08), respectively. The level of inappropriate lifestyle attitudes in cyberspace among Yazdi citizens is moderate (35.93), social anomie (19.01) and virtual anomie (15.80), both of which are above average in Yazd society. Also, the average total anomie is equal to (34.79) is moderate. There is a positive and significant relationship between social and virtual anomie and inappropriate lifestyle attitudes in cyberspace (0.0001). Regression analysis also showed that 32% of the variance of inappropriate lifestyle attitudes in cyberspace is explained by the anomie variable in space. It seems that in the current situation, one of the main factors in the structural changes of societies are virtual social networks, which cause a rapid change in social structures, and this can be harmed by the anomie in cyberspace and social space. Be fertile. With practical training, we can play a constructive role in changing it.

Keywords: virtual anomie, anomaly, cyberspace, lifestyle.

مقدمه و بیان مسئله

یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد بررسی متخصصین اجتماعی، دگرگونی‌های حاصله از فضای مجازی و تأثیرات این دگرگونی‌ها بر شیوه زندگی افراد در اجتماع بوده است. چراکه به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر ناهنجاری‌های حاصله از تغییرات به‌واسطه فضای نوین ارتباطی، تغییرات شگرفی در زندگی افراد به وجود آورده که به‌واسطه این تغییرات اساسی و شگرف، گستره زندگی انسان دچار ناهماهنگی شده، به‌طوری‌که رشد فضای مجازی و رویارویی جوامع با فناوری‌های نوین ارتباطی منش و سبک جدیدی را در روابط بین انسانی به عمل آورده. بدون شک به نظر می‌رسد که فضای مجازی یکی از اصلی‌ترین جریان‌سازی‌ها در عرصه تغییرات سبک زندگی بوده است و در چندین دهه اخیر سبک‌های نوین زندگی متأثر شده از فضای مجازی، به‌جز اساسی زندگی بشری تبدیل گشته است. این تغییرات در دنیای حاضر با عنوان آنومی یا بی‌هنجاری نام برده می‌شود، وضعیتی که افراد جامعه قادر به اینکه یکسری قواعد مشترک را برقرار کنند، نداشته و شرایط حاکم بر ارزش‌های اساسی جامعه شکسته می‌شود. با افزایش و شتابگیری هرچه‌تمام‌تر بی‌هنجاری‌ها و تغییرات به وجود آمده به‌واسطه حضور فناوری‌های نوین ارتباطی، آنومی را به‌وجود آورده که پیامدهای منفی استفاده از این فناوری‌های نوین را افشا ساخته است.

کاستلز^۱ اعتقاد دارد به دلیل گسترش روزافزون ارزش‌های مدرن از طریق رسانه‌های جدید، این ارزش‌ها مدام در حال تغییر است. به عقیده کاستلز اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویت افراد ایفا می‌کند. وی به انقلاب فناورانه‌ای که حول محور فناوری‌های اطلاعات متمرکز است اشاره می‌کند که در سال‌های پایانی قرن بیستم، چشم‌انداز اجتماعی زندگی انسان را دگرگون ساخته و با سرعتی شتابان در کار شکل‌دهی مجدد بنیان مادی جامعه است (نوابخش و همکاران، ۱۴۸: ۱۳۸۹). به همین دلیل زندگی مدرن امروزی با شبکه‌های اجتماعی پیوند خورده است به نحوی که این شبکه‌های اجتماعی در قالب ارتباطاتی درهم‌تنیده و به هم پیوسته تمامی حوزه‌ها، معانی، مفاهیم و به‌طور کلی همه‌چیز را تحت تأثیر قرار داده‌اند (طالب پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۶). آنچه زمینه چنین تغییر سریع و شگرفی را پدید آورده، دستاوردهای فناورانه متأخر بشری با عنوان فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است (حق‌پرست و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مصادیق این مسئله، به جایگاه قابل‌دسترسی برای حضور و تجمع افراد مختلف جامعه در این فضا شده و به محلی برای تأمین نیازهای زندگی اجتماعی افراد بدل شده است و افراد با استفاده از این شبکه‌های اجتماعی مجازی علاوه بر اینکه نیازهای زندگی خود را تأمین می‌کنند، همزمان به سایر فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی

1. Castells

و... می‌پردازند؛ بنابراین این سهولت استفاده و جذابیت خاص این شبکه‌ها سبب می‌شود تا افراد حضور متناوب و گسترده‌ای داشته باشند و تغییرات سریعی در سبک زندگی خودشان متحمل شوند. این شبکه‌های اجتماعی با توجه به موضوعی که مد نظر خود قرار داده‌اند، امکانات بسیار متفاوتی را در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد که این امکانات نیازمندی‌های اطلاعاتی، ارتباطی و زندگی افراد تحت پوشش خود را دچار دگرگونی می‌کند، نهایتاً نتیجه به این سمت سوق پیدا می‌کند که به صورت خودآگاه و بیشتر ناخودآگاه در سبک زندگی افراد تأثیرات به سزایی می‌گذارد. با توجه به اجتناب‌ناپذیر بودن تأثیرات گسترده و همه‌گیر شده روزافزون دسترسی به شبکه‌های نوین ارتباطی بر سبک زندگی افراد و تأثیر آن در کار و زندگی روزمره که به صورت کاملاً ملموس قابل ملاحظه است و همچنین برخی کمبودها در پژوهش‌های پیشین و البته گسترده بودن دامنه فضای مجازی و همچنین با توجه به تحقیقات پیشینی که در شهر یزد انجام گرفته: مزیدی شرف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷)، سفیری و ذاکری هامانه (۱۳۹۳) نتایجی را مطرح کرده‌اند که وجود شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیرات شگرفی در زندگی شهروندان یزدی گذاشته و سبک و نوع زندگی آنان را دچار تغییر کرده است، به همین جهت اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌کند. لذا به نظر می‌رسد که شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی نوین علاوه بر اینکه فواید بی‌شماری که دارند، آسیب‌ها و مشکلات متعددی را با خود به همراه داشته‌اند؛ بنابراین پژوهشگران سعی دارند تا با بررسی این پژوهش به اصلی‌ترین سؤال: چه

رابطه‌ای بین آنومی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی در بین شهروندان یزدی وجود دارد؟ پاسخ بدهند.

پیشینه پژوهش

در خصوص فضای مجازی اخیراً تحقیقات زیادی به انجام رسیده است که برخی بر معایب این فضا و بعضی دیگر بر مزایای آن تأکید بیشتری داشته‌اند. بنا به نظر موافقان، این فضای جدید، اجتماعی نوین است زیرا راه‌های کاملاً جدیدی برای بودن و ارتباط برقرار کردن فراهم می‌کند. آن‌ها استدلال می‌کنند به وسیله انعطاف‌پذیری این رسانه این مسئله امکان‌پذیر است که هویت خود را در راه‌های بی‌شماری بارور کنیم، بسازیم و عرضه کنیم (رینگولد، ۱۹۹۳). ولی با این وجود به نظر می‌رسد، فضای مجازی بی‌هنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی را با خود به همراه داشته است که محققان پیشین به آن پرداخته‌اند که در ذیل به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود «بررسی رابطه شبکه اجتماعی مجازی و گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی» نتایج پژوهش نشان داد که گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی در بین جوانان شهر تهران متوسط رو به بالا است. جوانانی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی عضویت دارند و استفاده صحیحی از این فضا نمی‌کنند بیش تر در

معرض گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی قرار دارند.

بیدی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی «تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی» نتایج پژوهش حاکی از آن است که فضای مجازی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سبک زندگی کاربران، تأثیرات بانفوذی دارد؛ چراکه طراحان اصلی در فضای مجازی خود مروج سبک زندگی غربی بوده و هدف اصلی نیز نشانه گرفتن اعتقادات کاربران است؛ لذا سبک زندگی غربی علیرغم سیما و سطح مرفه خود حاوی چالش‌های عمیقی است که آینده روشنی را نمایان نمی‌سازد.

طالب پور و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود «تأثیر استفاده غیرمتعارف و بی‌رویه از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گرایش جوانان به ناهنجاری‌های اجتماعی» ناهنجاری‌های اجتماعی متأثر از شبکه‌های اجتماعی مجازی، در حد متوسط و بالاتر در بین پاسخگویان وجود دارد. همچنین نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد که ارتباط معنادار قوی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ناهنجاری‌های اجتماعی وجود دارد.

شایگان و رحیمی (۱۳۹۵) «بررسی جامعه‌شناختی مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی» بین مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی با ابعاد اباحه‌گری عملی جوانان، خشونت و پرخاشگری جوانان، تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهه‌های فکری، رابطه معناداری وجود

دارد.

تقدسی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مواجهه افراد با موقعیت‌هایی در فضای مجازی و دنیای واقعی» یافته‌های پژوهش نشان داد که در اغلب موضوعات اخلاقی مطرح شده، تفاوت معناداری میان نحوه مواجهه اخلاقی افراد در دو فضای مجازی و واقعی وجود دارد. با توجه به الگوی نتایج می‌توان گفت افراد در فضای مجازی با سهل‌گیری بیشتری نسبت به استانداردهای اخلاقی معمول خود رفتار می‌کنند.

فتحی (۱۳۹۳) در پژوهش تحت عنوان «بررسی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی با سبک زندگی جوانان؛ مطالعه موردی جوانان شهر خلخال»، به این نتایج دست یافتند که بین شبکه‌های اجتماعی مجازی با سبک زندگی در کلیات رابطه وجود ندارد. رابطه معناداری بین متغیرهای تعاملات فرهنگی و تبادل اطلاعات بدون سانسور با سبک زندگی هست. بین دو گروه جنسیت زنان و مردان، مجردین و متأهلین، استفاده‌کنندگان و غیر استفاده‌کنندگان، تعاملات سیاسی، تعاملات داخل و خارج از کشور، تعامل با شخصیت‌های فرهنگی، اجتماعی و... زندگی رابطه وجود ندارد.

بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان «شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان؛ مطالعه موردی بزرگترین جامعه مجازی ایرانیان» به این نتیجه

دست یافتند که افراد با اهداف متنوعی عضو این شبکه‌ها می‌شوند که مهم‌ترین آن را سرگرمی دانسته‌اند. میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نحوه اختصاص وقت به سایر فعالیت‌های اجتماعی ارتباط وجود داشته و بیشتر پاسخ‌دهندگان اذعان کرده‌اند که به دلیل استفاده از حد اینترنت برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مورد اعتراض سایر اعضای خانواده واقع شده‌اند. میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی با مقوله‌هایی نظیر نحوه ارتباط با جنس مخالف و شیوه محاورات اعضا در محیط بیرونی ارتباط وجود دارد.

ماگومدو و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «سبک زندگی سالم و شبکه‌های اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که: شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی سالم با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند: در شبکه‌های اجتماعی اطلاعات زیادی وجود دارد، به‌ویژه در گروه‌های مربوط به سبک زندگی سالم، اما این اطلاعات اغلب انگیزه‌ای برای عمل دانش‌آموزان نیست. برخی از دانش‌آموزان معتقدند که انگیزه اصلی برای یک سبک زندگی سالم انعکاس آن‌ها در آینه است و شبکه‌های اجتماعی ابزاری برای دستیابی به نتایج مثبت هستند.

گوندوز^۲ (۲۰۱۷) نیز در مطالعات خود بیان می‌کند که سیستم‌های رسانه اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای در زندگی ما دارند، زیرا مکان‌هایی هستند که تجربیات زندگی ما را

1. Magomedov & etc

2. Gündüz

نمایش می‌دهند. این مطالعه دلایل احتمالی را که افراد می‌دانند تا نیاز به ایجاد یک هویت مجازی برای خود را به همراه داشته باشد تحلیل می‌کند.

یوسدال^۱ (۲۰۱۰) مجازات در فضای سایبری و تئوریهای مواجهه با سبک زندگی به این نتیجه دست پیدا کرد که استفاده شخصی از رایانه و انجام فعالیت‌های آنلاین اوقات فراغت مانند بازی‌های آنلاین، بارگیری بازی‌ها، برنامه‌ها و فایل‌های ویدیویی یا موسیقی خطر قربانی شدن در فضای مجازی را افزایش می‌دهد و تأثیر زیادی بر سبک زندگی افراد دارد.

هونگ^۲ (۲۰۰۴) در مطالعه خود «تأثیرات متناقض رسانه‌ای» به این نکته دست یافت که اعتیاد به اینترنت و استفاده زیاد از آن تأثیر بی‌هنجاری بر روش زندگی افراد می‌گذارد.

نهایتاً با توجه به مطالب طرح شده در تحقیقات پیشین، هر یک از این پژوهش‌ها به بررسی جنبه‌ای از آسیب‌های فضای مجازی پرداخته‌اند؛ مثلاً در تحقیق که رحیمی و همکاران، طالب‌پور و همکاران و شایگان و همکاران انجام داده‌اند اساس طرح دیدگاه خود برای سنجش میزان گرایش به مفاسد اخلاقی در فضای مجازی است. ولی پژوهش‌هایی که بیدی و همکاران، افراسیابی و بشیر، بوسدال و ماگومدو و همکاران انجام داده‌اند، اساس کار آن‌ها تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی بوده

1. Yucedal
2. Huang

است. به همین دلیل پژوهشگران قصد را بر آن گذاشتند تا با توجه به اینکه در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده به بررسی تأثیر آنومی پرداخته نشده، لذا تأثیری که آنومی می‌تواند بر تغییر نگرش سبک زندگی شهروندان یزدی بگذارد، حائز اهمیت است، تا بتوان با این پژوهش ادبیات نظری و آماری قوی‌تری برای این موضوع به عرصه جامعه‌شناسی ارائه کرد.

مبانی نظری

دورکیم: نظریه آنومی دورکیم یکی از مهمترین نظریه‌های جامعه‌شناسی کژ کارکردی و انواع صور نابهنجاری‌های اجتماعی است که آنومی را در معنای بی سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی، بی‌هنجاری در نظام جمعی در نظر گرفته است. وی آنومی را در کتاب خودکشی معادل واژه فرانسوی «Dereglement» قرار داده و از آن در مفهوم عدم التزام به قواعد اخلاقی استفاده کرده است. دورکیم به‌عنوان یکی از پیشگامان علم جامعه‌شناسی و از سرآمدان روش اصالت واقعیت اجتماعی با استفاده از روش تجربی به مطالعه انحراف و بی‌هنجاری اجتماعی پرداخته است. در دیدگاه او، آنومی به مفهوم فقدان اجماع درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به‌عنوان قواعد و الگوهای عمل برای اعضای خود متصور شده است، به کار رفته است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۲). مطابق نظریه آنومی دورکیم، زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود و درنهایت نیز به شکل

گیری پدیده آنومی یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای دست یازیدن این افراد به خودکشی و کجروی است. بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد. در نظر دورکیم، پیامدهای آنومی نیز به شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگر خواه او متجلی شود. نتیجه این تعارض هم آن است که خواسته‌های وجدان جمعی که در کنار نفوذ شخصیت اجتماعی و دیگر خواه فرد، نیروهای برانگیزاننده شخصیت فردی و خودخواه او را تحت کنترل دارد کارایی خود را از دست می‌دهد. تضعیف این الزامها و فشارها نیز سبب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند و اینجاست که آرزوهای نامحدود، لجام‌ها را می‌گسلد و فشارهایی را بر فرد وارد می‌آورد تا به رفتارهایی مانند کجروی یا خودکشی دست یازد؛ پدیده‌هایی که دورکیم آن را همان نادیده گرفتن مقتضیات وجدان جمعی می‌داند (شایگان و رحیمی، ۱۳۹۵: ۴۳).

در آثار دورکیم، آنومی به چند معنا به کار رفته است، آنومی در کتاب خودکشی به معنای انحراف، اختلال، پریشانی و آشفتگی است (دورکیم، ۱۹۶۰: ۲۸۱) و در جای دیگر دورکیم آنومی را معادل «آناشی» (دورکیم، ۱۳۸۷: ۹) می‌داند. از نظر دورکیم آنومی، شر است زیرا سبب رنج کشیدن فرد و جامعه می‌شود. آنومی به هم‌ریختگی یا آشفتگی وجدان جمعی با وجدان مشترک است و چون آنومی امری مربوط به وجدان

جمعی است، جامعه و فرد همزمان از آن رنج می‌برند. دورکیم به طرح این نکته می‌پردازد که در جوامع امروزی خواه در سطح جامعه و خواه در سطح برخی گروه‌ها معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد، بی‌آنکه هنجارهای جدید جایگزین آن شود و در حقیقت معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود ندارد (ممتاز، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۲). در این دیدگاه، زمانی شرایط آنومیک در یک جامعه ایجاد می‌شود که قواعد رفتاری از بین رفته یا در اثر تغییرات سریع اجتماعی یا بحران‌های اجتماعی مثل جنگ، قحطی و تورم به خوبی عمل نمی‌کند، یک چنین جامعه‌ای ناتوان از کنترل آرزوها و تقاضاهای افراد است (سیگل^۱، ۲۰۰۱: ۲۰۱)؛ که در سایه چنین دگرگونی‌های نهادی و فرهنگی ناشی از ظهور مدرنیزاسیون، نظارت اجتماعی سنتی اثراتش را از دست داده و اغتشاش در هنجارها را به وجود می‌آورد (کالن و همکاران^۲، ۲۰۰۴: ۴۱۱). به تعبیری در حالت بحران، نظم و ترتیب طبقاتی بر هم خورده و فقر غیرقابل تحمل در اثر تغییر شرایط زندگی، دامنه نیازها و سلسله‌مراتب آرزوهای افراد نیز تحت تأثیر قرار داده و سپس تجدید نظر در هنجارهای سنتی توسط افراد صورت می‌پذیرد و ازهم‌پاشیدگی در فرآیند رضایتمندی افراد نیز تخطی یا انحراف از هنجارهای اجتماعی را باعث می‌شود (دورکهایم، ۱۳۷۸: ۲۹۰-۲۸۴).

با این توضیحات معلوم می‌شود که دورکیم دگرگونی‌های سریع در جامعه را

1. Siegel
2. Cullen

به‌عنوان علت آنومی مطرح می‌کند از نظر او هرگونه تحرک سریع در ساختار اجتماعی که به ازهم‌پاشیدگی شبکه‌ها بیانجامد، احتمال وقوع آنومی را قوت می‌بخشد (معدفر، ۱۳۸۵: ۱۸۷). همچنین دورکیم در تحلیل ساختاری خود به نقش انسجام اجتماعی در آنومی اشاره کرده و پیوستگی اجتماعی افراد یک گروه با همدیگر و انسجام سیستمی میان گروه‌های اجتماعی مختلف در کل جامعه را در این زمینه مهم عنوان کرده است. او برخلاف اثبات‌گرایان قبلی به شیوه‌های فردگرا و یا زیستی متوسل نشده و عمدتاً کانون توجه خود را تغییر ساخت اجتماعی از حالت انسجام مکانیکی به انسجام ارگانیکی قرار می‌دهد و بر این عقیده است که هر چند کج‌رفتاری در تمام جوامع اتفاق می‌افتد ولی شکل مدرن آن خاص جوامع مدرن با انسجام ارگانیکی است که به شکل آنومی به‌عنوان یک بیماری مدرن ظاهر می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۱). دورکیم معتقد است که اقتدار اخلاق در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد؛ به عبارت دیگر، اقتدار اخلاقی در صورتی اعتبار خواهد داشت که برای افراد درگیر فعالیت در جامعه، همواره در حال تغییر و تحول، با معنی باشد. حال اگر افراد مجبور به انجام نقش‌هایی گردند که با استعدادهایشان مطابقت نداشته باشد، وضعیت آنومیک پیش می‌آید. جامعه مدرن است، به علت تضعیف هنجارها، زمینه مناسب کج‌رفتاری فراهم می‌شود؛ بنابراین دورکیم به تحولات سریع اجتماعی در انسجام ارگانیک توجه دارد و با تقسیم‌کار اجباری که در انسجام ارگانیک پدید آمده مخالف است. گسترش تقسیم‌کار و

تضعیف روح جمعی در عین حال که میزانی از آزادی به انسان می‌دهد، اما می‌تواند خطرات دیگری را در پی داشته باشد و آن سلطه خواسته‌های فرد است (باقری زنوری و علمی، ۱۳۸۹: ۶۰).

رابطه کی مرتن! دومین شخصیتی است که تحت تأثیر دورکیم از مفهوم آنومی بهره زیادی برده است مرتن در بین سه عاملی که در نظریه دورکیم به طور محدود و پنهانی مطرح شده بود تمییز گذاشت و به آن‌ها را آشکار کرد:

۱- اهداف فرهنگی با خواسته‌ها و اشتیاق‌هایی که فرهنگ جامعه به اعضا خود آموخته است. ۲- قواعد رفتار اجتماعی که وسایل مشروع برای نیل به هدف‌های فرهنگی را معین ساخته و افراد جامعه را مکلف می‌سازد تا برای رسیدن به هدف‌ها راه‌هایی را دنبال کنند و از وسایلی بهره بگیرند که قواعد رفتار اجتماعی معین کرده است. ۳- توزیع واقعی وسایل و فرصت‌ها برای به دست آوردن هدف‌های فرهنگی به شیوه‌ای مشروع و همساز با قواعد اجتماعی است که مرتن از آن با نام وسایل نهادی شده یاد می‌کند. از نظر مرتن احساس واقعی سرخوردگی، درماندگی، بی‌عدالتی به تنهایی از هیچ یک از این عوامل بر نمی‌خیزد بلکه از روابط خاص میان آن‌ها پدید می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۲).

به نظر مرتن یک جامعه با نظام اجتماعی می‌تواند در حالت سوء یکپارچگی قرار

بگیرد که در چنین شرایطی تعادل ساختاری در معرض تهدید قرار می‌گیرد و بر وسایل نهادی شده کمتر از اهداف نهادی شده تأکید می‌شود. از نظر وی، این سوء یکپارچگی که حدی از عدم تعادل ساختاری است و ناشی از عدم تأکید بر هنجارها و مقررات و با وسایل نهادی شده به اندازه تأکید بر اهداف نهادی شده است، می‌تواند باعث سستی و ضعف روزافزون هنجارها و مقررات شود و روند سوء یکپارچگی را تشدید کند (معیدفر، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰). مرتن با استفاده از دیدگاه فشار هدف ابتدایی خود را کشف این مسئله می‌داند که چگونه بعضی ساختارهای اجتماعی فشار مشخصی روی پاسخ‌های معین در جامعه برای درگیر شدن در اعمال ناهمخوانانه بیش از اعمال همخوانانه اعمال می‌کنند که در این صورت ما باید انتظار داشته باشیم که نرخ بالایی از رفتار انحرافی در این گروه‌ها پیدا کنیم، نه به خاطر اینکه انسان از گرایش‌های مختلف زیستی ترکیب شده است بلکه به خاطر اینکه انسان‌ها به صورت معمول به موقعیت‌های اجتماعی که خودشان را در آن پیدا می‌کنند، پاسخ می‌دهند. مرتن با ارائه دیدگاه اصلی خودش در قالب نظریه فشار از فرصت‌های مشروع افتراقی یاد کرده و آن را در پارادایم اثبات‌گرا مورد کاوش قرار داده است. به نظر مرتن این جامعه است که فرد را به سمت رفتارهای انحرافی سوق می‌دهد در این دیدگاه، کج رفتاری حاصل فشار ساختارهای اجتماعی خاصی است که افراد را به کج رفتار شدن مجبور می‌کند تضاد و نبود تعادل بین اهداف و شیوه‌های نهادی شده مورد قبول افراد جامعه فرصت-

های نابرابری را در جامعه پدید می‌آورد (مرتن^۱، ۱۹۶۸: ۲۴۴-۲۴۳). همین عدم تعادل ساختی موجب بی‌اهمیت شدن مقررات شده و زمینه برای نیل به هدف موفقیت به هر وسیله ممکن به اجرا درمی‌آید که حالت افراطی چنین وضعیتی به‌طور منطقی بی‌قانونی و رهایی کامل فرد از قیدوبند هنجارها و فردیت است (مکیدفر، ۱۳۸۵: ۱۸۸). از نظر مرتون، علت جرم در تناقضات ساختار اجتماعی فرهنگی است. مسئله اصلی این است که برخی از ساختارهای اجتماعی، چگونه فشار معینی را بر بعضی از افراد جامعه وارد می‌کنند تا این افراد به جای همنوایی، ناهمنوا می‌شوند؟

در میان عناصر گوناگون ساختار اجتماعی و فرهنگی، دو مورد از اهمیت بیشتری برخوردار است. این دو عنصر در تجزیه و تحلیل‌ها تفکیک پذیرند اما در وضعیت‌های عینی با یکدیگر آمیخته‌اند: نخستین عنصر شامل «هدف‌ها»، منظورها و علاقه‌هایی است که به‌وسیله فرهنگ جامعه تعریف و تعیین شده و به‌صورت هدف‌های مشروع برای همه اعضای جامعه با بخشی از آن در آمده است عنصر دوم ساختار فرهنگی، شیوه‌های پذیرفتنی رسیدن به این هدف‌ها را تعیین، تنظیم و نظارت می‌کند. هر گروهی ناگزیر است هدف‌های فرهنگی خود را با مقرراتی منطبق سازد که ریشه در نظام رسوم اخلاقی با نهادها دارد و این مقررات بیانگر راه و روش‌های مجاز حرکت به‌سوی این هدف‌ها است. این هنجارها ضرورتاً با هنجارهای فنی و کارآمد یکی تأکیدی که از نظر فرهنگی بر برخی از هدف‌ها می‌شود با میزان تأکیدی که از نظر

1. Merton

هنجارهای نهادی اعمال می‌شود، تناسبی ندارد. گاهی ممکن است به ارزش‌های مربوط به هدف‌های معین تأکید شدید و یا استثنایی شود و در همان حال نسبت به ابزارهای معین نهادی شده مربوط به کوشش در جهت رسیدن به آن هدف‌ها، توجه چندانی نشود. فرضیه اصلی مرتون این است که رفتار نابهنجار را می‌توان نشانه ازهم‌گسیختگی بین آرزوهای معین فرهنگی و شیوه‌های ساختاری شده اجتماعی در جهت رسیدن به این آرزوها دانست. مرتون معتقد است که ضعیف شدن ارتباط بین هدف‌ها و هنجارها به آنومی می‌انجامد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۳۸-۴۳۱). مرتون پنج واکنش ممکن نسبت به تنش میان ارزش‌های از نظر اجتماعی پذیرفته شده و وسایل محدود دستیابی به آن‌ها را تشخیص می‌دهد که عبارت‌اند از: همنوایی نوآوری، مناسک‌گرایی انزواگرایی و شورش (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۴۱). در شیوه‌های انطباق مرتون به جز همنوایی باقی موارد پیامدهایی هستند که حاصل شرایط آنومیک می‌باشند، این چهار حالت از نظر مرتون، چهار مقوله عمده هستند که هر یک انحرافات و مسائل اجتماعی متعددی را توضیح می‌دهند (حسینی نثار و همکاران، ۲۲: ۱۳۹۴).

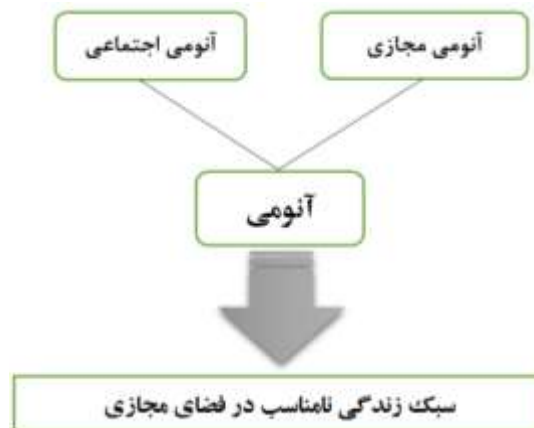
زیمل^۱ از آن جهت که انگیزه‌های درونی و عوامل فردی مؤثر بر شکل‌گیری الگوهای مصرف را بررسی کرده است، در جامعه‌شناسی، پیشرو است. وی اعتقاد دارد که هر نوع تعاملی در میان انسان‌ها و محیطشان، توسط دو نیاز هنجاری متناقض، هدایت می‌شود: «نیاز به یافتن شخصیتی بی‌همتا و نیاز به شناختی اجتماعی. فرد، این

1. Simmel

شخصیت بی‌همتا را در فرهنگ ذهنی خود و شناخت اجتماعی از آن را در فرهنگی عینی جستجو می‌کند. از نظر او، سبک، تجسم همین تلاش است؛ در واقع، انسانی شکل را برای معنای مورد نظر خود بر می‌گزیند و این گزینش، حاصل توازن میان شخصیت ذهنی فرد، محیط پیرامون و روابط انسانی اوست. به توان انجام چنین گزینش و انتخابی، سلیقه و به این اشکال مرتبط به هم سبک می‌گویند. او بر این باور بود که سبک، این توان را دارد که نشان دهد محتواهای متعدد در شکل دهی به هم مرتبط هستند». «از نظر زیمل، سبک زندگی همان فرهنگ است»، «با توجه به اینکه سبک زندگی، عینی سازی فرهنگی ذهنی با استفاده از امکانات محیط است، در اجتماعات سنتی که تعامل نقش‌های محدود اجتماعی با دیگر اجتماعات، اندک می‌باشد، تعدد سبک‌ها منجر به تنوع و تکثیر نمی‌شود؛ چنانکه می‌توان یک یا چند سبک زندگی مشخص را در این گونه اجتماعات باز یافت، مانند جوامع فئودالی و بورژوازی؛ اما اگر محیط اجتماعی فرهنگ فرصت‌هایی را برای تنوع فراهم کند، آنگاه جامعه، صحنه بروز تکثیر سبک‌های زندگی خواهد بود، آن‌چنان که در دنیای مدرن شاهد آن هستیم (مظفری نیا و قاسمی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۷۶). بر همین اساس، در پژوهش حاضر، به فضای مجازی به عنوان یک ابزار و یکی از امکانات اصلی محیطی نگاه می‌شود که به موجب آن تغییرات زیادی در سبک زندگی‌ها ایجاد کرده است.

چارچوب نظری: با توجه به مبانی نظری مطروحه می‌توان این گونه عنوان کرد که:

به نظر دورکیم، جوامع نوین در معرض نابسامانی زیادی قرار دارند، زیرا وجود گوناگونی فرهنگی، باعث درهم‌ریختگی هنجارها و ارزش‌های این جوامع می‌شود و مردم بدون خطوط راهنمای اخلاقی روشن و مشخصی ره‌اشده و راهنمای مشخص هم با خود به همراه ندارند. از نظر وی تغییرات ناگهانی که به وجود می‌آیند، جامعه را دچار حالت بی‌تعادلی می‌کند و از آنجایی که انسان نمی‌تواند به سرعت و البته به آسانی خود را با چنین تغییراتی هماهنگ کند منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی می‌شود. دورکیم در تئوری خود توضیح داده است که تغییرات ناگهانی در شرایط اجتماعی به صورتی که از یک حالت متعارف خارج شود می‌تواند پیامدهای مخربی با خود به همراه داشته باشد. شبکه‌های اجتماعی مجازی زمینه اصلی چنین تغییرات شگرفی را در جامعه جدید پدید آورده است به صورتی که فقط به عنوان یک روش ارتباطی جدید مطرح نمی‌شود بلکه به عنوان سبک جدیدی از زندگی معاصر از آن یاد می‌شود چراکه اساساً این شبکه‌ها فضای جدید زیستن مجازی را شکل داده‌اند. پس زمانی که ثبات اجتماعی به واسطه وجود فضای مجازی در جامعه از بین می‌رود یا حتی نقش کمرنگی نسبت به گذشته پیدا می‌کند، جامعه را دچار آنومی کرده و از مسیر اصلی خود خارج می‌کند. این تغییر مسیر در زندگی انسان‌ها، سبک زندگی نامتعارفی را برای آنان تشکیل می‌دهد که با ارزش‌های دوران پیشین تعارض یا حداقل تفاوت دارد که همین امر به وجود آورنده آنومی و ناهنجاری اجتماعی در شیوه زیستن افراد است. از همین جهت مدل مفهومی زیر استنباط می‌شود:



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

- با توجه به چارچوب نظری و مدل نظری مطرح شده، مهمترین فرضیه‌هایی که مورد مطالعه قرار می‌گیرند به شرح زیر است:
- بین آنومی اجتماعی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی رابطه وجود دارد.
 - بین آنومی مجازی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی رابطه وجود دارد.
 - بین متغیرهای زمینه‌ای و آنومی مجازی تفاوت وجود دارد.
 - بین متغیرهای زمینه‌ای و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از رویکرد کمی محور مبتنی بر راهبرد پیمایش از نوع پرسشنامه‌ای بوده که از نظر زمان پژوهش مقطعی، به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. جامعه آماری شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد هستند که بر اساس آمارنامه سال ۱۳۹۵، ۴۱۱۰۵۱ نفر بوده‌اند؛ که با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای ۳۸۴ نفری از سنین ۱۸ تا ۶۴ سال از آن‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و با روش نمونه‌گیری بصورت خوشه‌ای سه مرحله‌ای؛ که در مرحله اول بر اساس ۳ ناحیه شهر یزد، ده محله شهر به صورت تصادفی انتخاب و در مرحله دوم نمونه‌گیری سیستماتیک بوده که به تصادف سومین خانه برای شروع انتخاب شد و عدد واسط هم ۲۰ به دست آمد، سپس از هر ۲۰ خانه یکی پرسشنامه تکمیل گردید و در مرحله سوم نیز افراد داخل منزل انتخابی اگر تعداد افراد بالای ۱۸ سال بیش از ۱ نفر بود به تصادف یکی از آن‌ها جهت تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. در این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از دو روش اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه) استفاده شده است که اعتبار آن از طریق صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. همچنین در ادامه به تعاریف مفهومی متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود:

نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی

ارتکاب جرائمی نظیر هرزه‌نگاری، انتشار و تبادل متون غیراخلاقی و آثار مبتذل و مستهجن از طریق شبکه‌های اجتماعی یا تسهیل دسترسی افراد به محتوای مبتذل و مستهجن، مزاحمت‌های اینترنتی، فریب و اغفال دختران و زنان، ترویج بی‌بند و باری‌های جنسی و روابط ناسالم دختران و پسران در قالب وب‌گاه‌های دوست‌یابی، اشاعه ناهنجاری‌های اخلاقی، افشای اسرار و تجاوز به حریم خصوصی افراد، توهین به ارزش‌های اخلاقی و... (منبع: پژوهشگر).

آنومی

طبق نظر دورکیم، جامعه آنومیک، جامعه‌ای است که در آن قواعد هنجاری شکسته شده و یا نادیده انگاشته می‌شود (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۹۲). در دیدگاه وی آنومی به معنی «بی‌هنجاری» یا «تضاد هنجاری» نیست. تنها واژه‌ای که دورکیم در مورد آنومی به کار می‌برد واژه *derangement* در کتاب خودکشی است (دورکیم، ۱۳۷۸). به نظر مسترویچ، یکی از دورکیم شناسان بنام، معنی‌شناسی این مفهوم در آثار دورکیم حاکی از آن است که آنومی نه به معنی «بی‌هنجاری» بلکه به معنی عدم التزام به قواعد اخلاقی است (مسترویچ، ۲۰۰۸: ۱۸۱). قواعد اخلاقی محصول کنش و واکنش مردم در گروه‌های اجتماعی بوده و ظهور می‌نماید. اخلاق تأمین‌کننده روح کنترل فردی و تعهد نسبت به جمع است (ترنر و بیگی، ۱۳۷۰: ۴۱۴-۴۱۲).

جدول ۱: تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر	گویه‌ها
تغرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی	۱- عکس و فیلم‌های مستهجن در فضای مجازی برای کاربران عادی شده است.
	۲- بیشتر افراد، با انگیزه رؤیت سایت‌های دارای صحنه‌های مستهجن به فضای مجازی رو می‌آورند.
	۳- بیشتر بازدیدها، از فیلم‌ها و سایت‌ها و یا بازی‌هایی است که دارای صحنه‌های جنسی هستند.
	۴- بدون سایت‌ها و کانال‌ها و بازی‌هایی که دارای صحنه‌های مستهجن در فضای مجازی، ساعات فعالیت کاربران در این فضا کاهش خواهد یافت.
	۵- بیشتر کاربران در فضای مجازی، گرایش به ارتباط باجنس مخالف دارند.
	۶- کاربران در گروه‌های مجازی و سایت‌ها، حرف‌ها و الفاظ رکیک و غیراخلاقی می‌شنوند.
	۷- دسترسی کاربران به آهنگ‌های نامناسب و غیراخلاقی زیاد است.
	۸- کاربران در فضای مجازی با تبلیغات از لباس‌ها و آرایش‌های نامناسب و نیمه عریان روبرویند.
	۹- شوخی‌های نامناسب و زننده و به‌دوراز اخلاقیات در فضای مجازی باب شده است.
	۱۰- فضای مجازی به‌گونه‌ایست که کاربران را به رفتارهای نامناسب تشویق و ترغیب می‌کند.
	۱۱- فضای مجازی به‌گونه‌ایست که رفتارهای نامناسب و غیراخلاقی را برای کاربران عادی می‌کند.
آئومی مجازی	۱- هرچه زمان می‌گذرد، فضای مجازی به‌طرف بی‌اخلاقی پیش می‌رود.
	۲- با شرایط نامطمئن که در این فضا وجود دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را پیش‌بینی کند.
	۳- بعضی وقت‌ها از شدت نابسامانی در این فضا می‌خواهم زودتر از آن خارج شوم.
	۴- همه مردم سعی می‌کنند یکدیگر را در فضای مجازی فریب دهند.
	۵- بی‌بندوباری در این فضا در حد بسیار پایینی است.
متغیر	گویه‌ها - تعاریف عملیاتی شده

- ۱- هرچه زمان می‌گذرد، فضای مجازی به طرف بی‌اخلاقی پیش می‌رود.
- ۲- با شرایط نامطمئن که در این فضا وجود دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها پیش‌بینی کند.
- ۳- بعضی وقت‌ها از شدت نابسامانی در این فضا می‌خواهم زودتر از آن خارج شوم.
- ۴- همه مردم سعی می‌کنند یکدیگر را در فضای مجازی فریب دهند.
- ۵- بی‌بندوباری در این فضا در حد بسیار پایینی است.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر در جهت آزمون فرضیه‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه از نوع بسته بوده و مقیاس اندازه‌گیری سؤالات از نوع مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت با دامنه (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) است. نهایتاً اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار spss و AMOS مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین در ادامه ضرایب پایایی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲: پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر / مؤلفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی	۱۱	۰/۸۳۹
آنومی مجازی	۵	۰/۷۰۸
آنومی اجتماعی	۵	۰/۷۴۱

نتایج به دست آمده از جدول فوق، مقدار پایایی متغیر سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی ۰/۸۳، آنومی مجازی ۰/۷۰، آنومی اجتماعی ۰/۷۴ می‌باشد: بیانگر این

امر است که متغیرهای ما از نظر آماری پایایی مطلوبی را دارا هستند زیرا مقدار آلفا بزرگتر از ۰/۷ است.

الف) یافته‌های توصیفی

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	میانگین	کمترین	بیشترین
سن	کمتر از ۳۰ سال	۲۳۶	۶۱/۵			
	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۱۹	۳۱	۱/۴۸	بیشتر از ۳۰ سال	کمتر از ۳۰ سال
	۴۰ تا ۵۰ سال	۲۰	۵/۲			
	بیشتر از ۵۰ سال	۹	۲/۳			
جنسیت	مرد	۱۹۲	۵۰٪	*	*	*
	زن	۱۹۲	۵۰٪			
	بی‌سواد	۳	۸٪			
تحصیلات	ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان	۹۷	۲۵/۲	۲/۹۰	بی‌سواد	کاردانی و کارشناسی
	کاردانی و کارشناسی	۲۱۸	۵۶/۸			
	کارشناسی ارشد و دکتری	۶۶	۱۷/۲			
درآمد	کمتر از ۱ میلیون	۱۶۹	۴۴			
	۱ تا ۴ میلیون	۱۶۸	۴۳/۸	۱/۷۳	۵۰۰۰۰۰۱ به بالا	کمتر از ۱ میلیون
	۴ تا ۷ میلیون	۲۸	۷/۳			

۵۰۰۰۰۰۰

۴/۷	۱۸	۵۰۰۰۰۰۰۱ به بالا
-----	----	------------------

از نظر توزیع فراوانی جنسیت، ۵۰ درصد زنان و ۵۰ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. توزیع فراوانی سن پاسخگویان بدین شرح است که: (۶۱/۵) درصد در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، ۳۱ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، (۵/۲) درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و (۲/۳) درصد در گروه سنی بیشتر از ۵۰ سال می‌باشند.

همچنین به لحاظ سطح سواد ۰/۸ درصد پاسخگویان بیسواد، ۲۵/۲ درصد مدرک تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان، ۵۶/۸ درصد مدرک تحصیلی کاردانی و کارشناسی و ۱۷/۲ درصد مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری را تشکیل داده‌اند؛ که بیشترین فراوانی پاسخگویان در این گروه را کاردانی و کارشناسی و کمترین فراوانی را بی‌سوادها داشته‌اند. از نظر درآمد تعداد ۴۴ درصد پاسخگویان درآمد کمتر از یک میلیون تومان، ۴۳/۸ درصد درآمد بین ۱ تا ۴ میلیون تومان بوده که بیشترین درصد پاسخگویان از لحاظ درآمد می‌باشد، ۷/۳ درصد درآمد بین ۴ تا ۵ میلیون تومان، ۴/۷ درصد درآمد ۵ میلیون تومان و بیشتر را داشته‌اند که کمترین درصد پاسخگویان از لحاظ درآمد می‌باشند همچنین بیشترین درآمد پاسخگویان با فراوانی ۱۶۹ نفر در گروه کمتر از ۱ میلیون تومان قرار دارد. خلاصه یافته‌های توصیفی را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده کرد.

جدول ۴: توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش

متغیر	فراوانی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی	۳۸۰	۱۱	۶۱	۳۵/۹۳	۸/۴۹۱
اجتماعی	۳۸۱	۹	۲۵	۱۹/۰۱	۳/۷۸۷
آنومی مجازی	۳۸۴	۷	۲۵	۱۵/۸۰	۳/۵۷۲
آنومی کل	۳۸۱	۲۲	۴۹	۳۴/۷۹	۵/۱۷۶

با توجه به نتایج جدول ۴ میزان نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی در بین شهروندان یزدی (کسانی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند) در سطح متوسطی با مقدار ۳۵/۹۳ قرار دارد که بیانگر وجود آلودگی اخلاقی در فضای مجازی از نظر شهروندان است. شهروندان اعتقاد دارند که آنومی اجتماعی با میانگین ۱۹/۰۱ و آنومی مجازی با میانگین ۱۵/۸۰ که هر دو بالاتر از حد متوسطی هست در جامعه یزد وجود دارد. همچنین میانگین کل (۳۴/۷۹) آنومی در حد متوسطی قرار دارد.

جدول ۵: توزیع نوع و مقدار استفاده از فضای مجازی

نوع	میزان استفاده به دقیقه					
	عدم استفاده	کمتر از ۱۵	۱۵ تا ۵۰	۵۰ تا ۱۰۰	۱۰۰ تا ۱۵۰	بیش از ۱۵۰
واتساپ	۸	۴۰	۲۹/۴	۸/۸	۴/۱	۹/۳
تلگرام	۵/۹	۳۶/۷	۲۵	۱۱/۹	۱۰/۹	۹/۳
اینستاگرام	۸/۸	۱۴/۳	۱۷/۷	۲۳/۱	۱۴	۲۱/۸

وب‌سایت	۴۵/۸	۲۱/۸	۱۹/۲	۸/۳	۲/۳	۲/۳	۱/۰۷
ایمو	۹۰/۳	۴/۱	۳/۹	۱	۰/۵	۰	۰/۱۷
لاین	۹۶	۱/۳	۱/۸	۰/۵	۰/۲	۰	۰/۰۸
ویجت	۹۸	۰/۵	۰/۷	۰	۰/۵	۰	۰/۰۴
یوتیوب	۸۴/۶	۲	۹/۱	۳/۶	۰/۵	۰	۰/۳۳
سروش	۹۸/۹	۰/۵	۰/۲	۰/۲	۰	۰	۰/۰۲
فیس‌بوک	۹۴/۷	۱/۵	۲/۸	۰/۲	۰/۵	۰	۰/۱۰
توییتر	۹۳/۷	۱/۵	۳/۶	۰/۲	۰/۷	۰	۰/۱۳
وایبر	۹۵/۸	۱	۱/۸	۱/۳	۰	۰	۰/۰۹
سایر	۸۵/۱	۴/۹	۶/۲	۱/۸	۰/۵	۱/۳	۰/۳۲

بیشترین نوع استفاده از فضای مجازی به ترتیب مربوط به برنامه اینستاگرام (۲/۸۵)، تلگرام (۲/۱۳)، واتس آپ (۱/۸۹) و وب‌سایت‌ها (۱/۰۷) بوده و کمترین میزان استفاده از این فضا به ترتیب مربوط به برنامه سروش (۰/۰۲)، ویجت (۰/۰۴) و لاین (۰/۰۸) می‌باشد. در این میان با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که شبکه‌های اجتماعی خارجی از استقبال بیشتری برخوردار هستند.

ب) یافته‌های استنباطی

در جدول شماره ۶ به بررسی رابطه آنومی اجتماعی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی پرداخته شده که به این منظور از آزمون همبستگی پیرسون

استفاده شده است.

جدول ۶: آزمون پیرسون- رابطه آنومی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی

نتیجه	سطح معناداری	ضریب همبستگی	آزمون پیرسون
عدم تأیید	۰/۰۶۸	۰/۰۹۴	آنومی اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۰	۰/۶۰۱	آنومی مجازی
تأیید	۰/۰۰۰	۰/۴۸۲	آنومی (کل)

نتایج حاصله از جدول با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵، بیان می‌کند رابطه معناداری بین آنومی و سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی وجود دارد، به صورتی که به نظر پاسخگویان با افزایش آنومی در فضای مجازی نگرش افراد به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی نیز افزایش پیدا می‌کند و معتقدند که این فضا دچار آلودگی بیشتری است. همچنین با توجه به ضریب همبستگی (۰/۶۰) این رابطه قوی می‌باشد؛ بنابراین فرض پژوهش مبنی بر این که بین آنومی مجازی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود. با توجه به یافته‌های حاصله در جدول و همچنین بررسی ضریب همبستگی پیرسون بین آنومی (کل) و نگرش به وجود سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی رابطه معنادار مشاهده می‌گردد (کمتر از ۰/۵) و این فرض تأیید می‌شود. از آنجایی که دورکیم آنومی را در معنای بی‌سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی، بی‌هنجاری در نظام

جمعی در نظر گرفته و از آن در مفهوم عدم التزام به قواعد اخلاقی استفاده کرده است. مطابق نظر وی، زندگی بدون وجود التزام‌های اخلاقی و ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود و در نهایت به شکل‌گیری پدیده بی‌هنجاری می‌انجامد که این بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد که اغلب کجروی را به وجود می‌آورد.

جدول ۷: آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای اصلی و متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	تحصیلات	میانگین	انحراف استاندارد	F	sig
زندگی نامناسب	بی‌سواد	۲۰/۳۳	۴/۰۴	۴/۹۲	۰/۰۰۲
	ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان	۳۷/۴۴	۸/۸۹		
	کاردانی و کارشناسی	۳۵/۳۴	۸/۰۰		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۳۶/۳۵	۸/۷۸		
آنومی	بی‌سواد	۳۹	۵/۱۹	۰/۹۳۰	۰/۴۲۶
	ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان	۳۴/۵۹	۵/۲۲		
	کاردانی و کارشناسی	۳۴/۶۷	۵/۱۸		
	کارشناسی ارشد و دکتری	۳۵/۲۷	۵/۰۷		
زندگی نامناسب	کمتر از ۱ میلیون	۳۶/۶۳	۹/۰۶	۰/۷۸	۰/۵۰
	۱۰۰۰۰۰۱ تا ۴۰۰۰۰۰۰	۳۵/۲۸	۷/۱۹		
	۴۰۰۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰۰۰	۳۵/۱۱	۱۲/۲۴		

			۶/۷۰	۳۵/۷۲	۵۰۰۰۰۰۱ به بالا	
			۵/۳۳	۳۵/۵۱	کمتر از ۱ میلیون	
۰/۰۸	۲/۲۳	ورزش	۴/۷۵	۳۴/۲۲	۱۰۰۰۰۰۱ تا ۴۰۰۰۰۰۰	
			۶/۹۳	۳۳/۶۷	۴۰۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰	
			۳/۶۲	۳۵/۰۵	۵۰۰۰۰۰۱ به بالا	
			۳۵/۸۴	۳۵/۸۴	کمتر از ۳۰ سال	
۰/۶۳	۰/۵۷	نامناسب	۳۵/۷۹	۳۵/۷۹	۳۰ تا ۴۰ سال	
			۳۶/۲۲	۳۶/۲۲	۴۰ تا ۵۰ سال	
			۳۹/۵۶	۳۹/۵۶	بیشتر از ۵۰ سال	
			۳۴/۷۹	۳۴/۷۹	کمتر از ۳۰ سال	
۰/۲۹	۱/۲۴	آدمی	۳۵/۱۵	۳۵/۱۵	۳۰ تا ۴۰ سال	
			۳۲/۷۵	۳۲/۷۵	۴۰ تا ۵۰ سال	
			۳۴/۵۵	۳۴/۵۵	بیشتر از ۵۰ سال	

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی و تحصیلات تفاوت معنی‌داری (۰/۰۰۲) وجود دارد، به این جهت با توجه به میانگین‌های حاصله، نگرش آن‌ها نسبت به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی متفاوت بوده است. همچنین با توجه به دیگر آزمون‌های انجام گرفته بین متغیرهای اصلی پژوهش (نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی و آنومی) با متغیرهای زمینه‌ای (درآمد، سن و تحصیلات) تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید.

رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۲۵ است که ۳۲/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیر موجود در معادله تبیین می‌شود. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس، خطی و معنادار است، زیرا مقدار آزمون F برای تبیین معناداری اثر متغیر مستقل بر وابسته برابر با ۲۱۳/۷۳ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰ است.

جدول ۸: رگرسیون - تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته

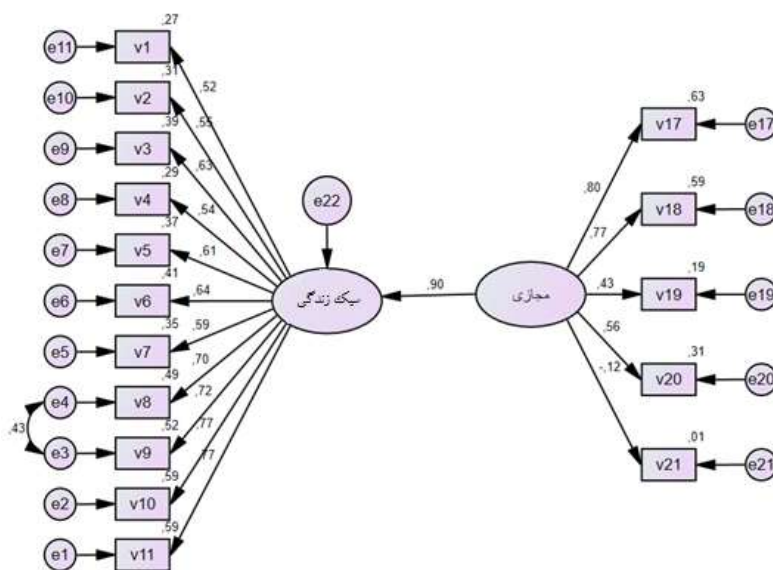
متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	T	سطح معنی‌داری	دوربین واتسون
	B	خطای معیار				
مقدار ثابت	۱۳/۴۴	۱/۷۰	-	۷/۸۷	۰/۰۰۰	۱/۸۷
آنومی مجازی	۰/۷۷	۰/۰۵	۰/۵۷۲	۱۳/۴۸	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین		ضریب همبستگی چندگانه			
۰/۳۲۵	۰/۳۲۷		۰/۵۷			

نتایج منعکس شده از جدول بیان می‌کند که متغیر آنومی مجازی با بتای ۰/۵۷ بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر وابسته داشته است. بنابراین با توجه به یافته مدل

رگرسیون می‌توان گفت که متغیر آنومی مجازی در تبیین نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی تعیین‌کننده‌تر بوده و دارای اهمیت بیشتری می‌باشد به طوری که می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر چقدر افراد با ناهنجاری بیشتری در فضای مجازی مواجه باشند، میزان نگرش آنان نسبت به وجود آلودگی و فساد در فضای مجازی نیز افزایش خواهد یافت. از طرفی آماره دوربین واتسون نیز برابر با (۱/۸۷) است که بیانگر مستقل بودن باقی‌مانده‌ها است که نشان از مناسب بودن مدل رگرسیونی دارد.

مدل‌یابی معادله ساختاری

برای بررسی تأثیر متغیرهای پژوهش بر نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی از رویکرد مدل‌یابی معادله ساختاری کواریانس محور استفاده شده است. برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری و پارامتر اصلی این مدل در شکل زیر گزارش شده است.



شکل ۲: مدل معادله ساختاری در حالت استاندارد

جدول ۹: برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مطلق		برآزش تطبیقی			برآزش مقتصد	
	CFI	TLI	PCFI	CFI	TLI	RMSEA	CMIN/DF
مقدار	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۷۶	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۰۶	۴/۶۹

شاخص‌های ارزیابی مدل معادله ساختاری بعد از همبسته کردن خطای اندازه‌گیری تعدادی از مؤلفه‌ها، با توجه به دامنه قابل قبول این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که آنومی در فضای مجازی با شاخص‌های در نظر گرفته شده با نگرش به وجود آلودگی در فضای مجازی و سبک زندگی نامناسب در این فضا رابطه معناداری

دارد که مدل تدوین شده، توسط داده‌های پژوهش این یافته را مورد حمایت قرار می‌دهند؛ به عبارت دیگر، برآزش داده‌ها به مدل برقرار است و وجود شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل دارند. دورکیم معتقد است دگرگونی‌های سریع در جامعه را به عنوان علت اصلی آنومی مطرح می‌کند از نظر او هرگونه تحرک سریع در ساختار اجتماعی که به ازهم‌پاشیدگی بینجامد، احتمال وقوع آنومی را قوت می‌بخشد، از اینجاست که می‌توان استنباط کرد که تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی افراد و جوامع را هویت جدیدی بخشیده که نه تنها تعاملات بین انسانی را متحول کرده، بلکه هنجارهای مسلط جامعه را دچار تزلزل و باعث ازهم‌گسیختگی پیوندهای اجتماعی و به وجود آمدن ناهنجاری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

جوامع مختلف تحت تأثیر تحولات بسیار عظیم فناوری‌های نوین به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال حرکت هستند و کلیه امور وابسته به جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. هرچه این وابستگی به فضا مجازی و در معنای کلی‌تر آن اینترنت، بیشتر و بالاتر باشد، این نظر بسیار محتمل است که شناخت‌ها، رفتارها و کلیه اعمال فردی و جمعی افراد را تحت تأثیر خود قرار بدهد و به طبع این وابستگی، فرصت پرداختن به ارزش‌های اخلاقی را می‌تواند تا حد زیادی کم‌اهمیت جلوه بدهد که این کم‌اهمیتی به‌نوبه خود ارزش‌های اصلی جامعه را مورد تأثیر خود قرار می‌دهد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین آنومی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی در بین شهروندان ۱۸ تا ۶۴ سال یزدی انجام گرفته است. یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که ۵۰ درصد فراوانی پاسخگویان را زنان و ۵۰ درصد دیگر را مردان تشکیل داده‌اند که از این بین بیشترین فراوانی تحصیلات در گروه کاردانی و کارشناسی با ۵۶/۸ درصد بوده است. میزان نگرش شهروندان یزدی نسبت به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی (کسانی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند) در سطح متوسطی قرار دارد که با مقدار ۳۵/۹۳ به دست آمده است. همچنین میانگین آنومی اجتماعی برابر با ۱۹/۰۱، میانگین آنومی مجازی ۱۵/۸۰ بوده است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات پژوهش به این صورت است که بین آنومی مجازی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی رابطه وجود دارد؛ که نتایج این فرضیه با یافته‌های رحیمی و همکاران (۱۳۹۸)، بیدی و همکاران (۱۳۹۶)، طالب پور و همکاران (۱۳۹۵)، شایگان و رحیمی (۱۳۹۵)، تقدسی و همکاران (۱۳۹۴)، فتحی (۱۳۹۳)، ماگومدو و همکاران (۲۰۱۹)، گوندوز (۲۰۱۷)، یوسدال (۲۰۱۰) و هنونگ (۲۰۰۴) همسو بوده است. بین آنومی اجتماعی و نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی رابطه وجود ندارد؛ که با یافته تقدسی و همکاران (۱۳۹۴) همسو بوده است. همچنین بین نگرش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی و تحصیلات تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در مجموع نتایج به دست آمده از مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیر آنومی مجازی با بتای ۰/۵۷ بیشترین تأثیر

مستقیم را بر متغیر وابسته داشته است. بنابراین می‌توان گفت که متغیر آنومی مجازی در گرایش به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی، نسبت به آنومی اجتماعی تعیین‌کننده‌تر بوده و دارای اهمیت بیشتری می‌باشد به طوری که می‌توان این نتیجه را بیان کرد که هرچقدر افراد با ناهنجاری بیشتری در فضای مجازی مواجه باشند، نگرش آنان نسبت به سبک زندگی نامناسب در فضای مجازی تغییر خواهد کرد و اعتقاد بیشتری نسبت به وجود آلودگی در فضای مجازی دارند. ضریب تعیین به دست آمده برابر است با ۰/۳۲ که با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان ۳۲ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیر موجود تبیین شود. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس، خطی و معنادار است. از سوی دیگر شاخص‌های ارزیابی مدل معادله ساختاری بعد از همبسته کردن خطای اندازه‌گیری تعدادی از مؤلفه‌ها، توسط داده‌های پژوهش مورد حمایت قرار می‌گیرند و به عبارتی برازش داده‌ها به مدل برقرار است و مدل از مطلوبیت لازم برخوردار است. با توجه به اینکه دورکیم حالت آنومی را به معنای فقدان اجماع درباره هدفی خاص می‌داند، پس نسبت به وجود الزامات اخلاقی در جامعه نیز تأکید می‌کند. به همین دلیل است که وی معتقد است حالت آنومی و بی‌هنجاری زمانی در جامعه پدید می‌آید که معیار روشنی برای رفتار افراد در جامعه وجود ندارد یا تغییرات سریع اجتماعی به وجود می‌آید که با ارزش‌های پیشین همخوانی و یکسویگی ندارد. وجود شبکه‌های مجازی از این قاعده مستثنا نیست، در سایه چنین تغییرات شگرفی که در حوزه

مدرنیزاسیون به وجود می‌آید، حالت سکون جامعه از بین می‌رود و پیوستگی اجتماعی افراد با گروه‌ها شکسته شده و انسجام اجتماعی درون‌گروهی افراد شکسته و حالتی به وجود می‌آید که بی‌هنجاری نام دارد. به همین دلیل است می‌توان استدلال را بر این گذاشت که وجود بهنجاری در فضای مجازی که خود با ارزش‌های اجتماعی کشور ما همخوانی نداشته، زندگی افراد را به سمت تغییرات بنیادی می‌کشاند.

در مجموع می‌توان گفت یکی از مهمترین تحولاتی که در جامعه ایران در سطوح کلان اجتماعی به وقوع پیوسته است، قدم گذاشتن در مسیری است که فضاها و شبکه‌های اجتماعی به‌طور کلی آن را احاطه کرده است. از آنجایی که ایران از یک جمعیت جوان برخوردار است و اصلی‌ترین مخاطبین شبکه‌های اجتماعی و در کل فضای مجازی، جوانان هستند، نیازمند شناخت روزافزون سبک زندگی آنان است. وجود شبکه‌های مجازی شیوه ارتباط‌گیری و نوع نگرش به زندگی را تغییر داده است منجر به ایجاد فرهنگ و شیوه زندگی جدید شده که مغایر با سبک زندگی سنتی ایران بوده است از همین جهت آسیب‌های نو پدید می‌آید را با خود به همراه داشته، از همین جهت سیاست‌گذاری در این حوزه دشوار گردیده است. به نظر می‌رسد که رسانه‌ها و شبکه‌های نوین ارتباطی و مجازی از رکن‌های اساسی تأثیرگذار بر سبک و شیوه زندگی افراد و تغییر دهنده نوع نگاه آنان نسبت به مسائل جامعه و خانواده است، در نتیجه استفاده صحیح و درست از این رسانه‌ها می‌تواند تضمینی بر صحت و سلامت شیوه زندگی اجتماعی باشد. در هر حال نمی‌توان منکر جذابیت‌ها و نکات مثبتی

همچون آسان کردن شیوه ارتباط بین فردی شد، به همین دلیل با توجه به نیاز روز شهروندان جامعه یزد به عنوان یک جامعه سنتی در حال پیشرفت که متأثر از جریانات حاکم بر شبکه‌های مجازی هستند، نگرششان به کلی تغییر می‌کند و با توجه به مدرن شدن جامعه یزد، سیاستگذاران اجتماعی باید نیازهای اساسی و ذائقه افراد را مد نظر قرار بدهند و نسبت به آن، به برنامه‌ریزی در حوزه فضای مجازی و تغییرات شیوه زندگی آنان پردازند. به نظر می‌رسد تا زمانی که سیاستگذاران، مسئولان و مدیران استان یزد در حوزه مسائل روز اجتماعی درک درستی از فرهنگ یزد و اختلاط این فرهنگ با شیوه‌های نوین ارتباطی نداشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت تهدیدی که فرهنگ یزد (قنوت، قنات و قناعت) را تهدید می‌کند را از این آسیب‌ها مصون داشت. به همین جهت، با توجه به رشد روزافزون این رسانه‌ها و تکنولوژی‌های ارتباطی شاهد تغییرات زیادی هستیم، بدین منظور با استفاده صحیح و بهینه و همچنین جلوگیری از بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی در این گونه فضاها، پیشنهادهای ارائه می‌شود که به شرح ذیل است: ۱- طراحی شبکه اجتماعی بومی، ملی، عمومی و آزاد که بر ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور تأکید کند. همچنین متناسب با فرهنگ شهروندان یزدی به عنوان یکی از راهکارهای اساسی جهت بخش شیوه زندگی سالم مد نظر مسئولین فرهنگی شهر یزد قرار گیرد. ۲- حمایت دولت مردان و مسئولین یزدی از شبکه اجتماعی بومی و اصلاح شیوه‌های ارزش‌دهی به این گونه شبکه‌ها- مثلاً با عنوان یزد گرام و...؛ که دارای گرایش‌های ارزشی متناسب با سبک زندگی شهروندان

یزدی می‌تواند گرایش‌های ناهنجار را به‌طور جد کاهش دهد. ۳- شناخت نیازهای جوانان و ارزش دادن به آن‌ها توسط مسئولین، چراکه اگر نیازهای جوانان به‌عنوان مخاطبان اصلی شبکه‌های مجازی تأمین نگردد، علاوه بر تلخی زندگی و افزایش ناهم‌نوایی، گرایش به انحراف را افزایش می‌دهد، این کار می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال مجازی که سازماندهی آن توسط مسئولین صورت گیرد. ۴- به‌عنوان یک پیشنهاد اصلی باید عنوان کرد که مقابله با هرگونه ناهنجاری در جامعه، فقط از طریق عوامل انسجام بخش و کاهش دهنده آنومی ممکن خواهد بود که می‌توان با استفاده از برنامه‌های مبتنی بر گسترش روحیه جمعی در فضاهای عمومی شهر و ایجاد برنامه‌های مناسبی و شادی بخش اجتماعی و مجازی این امر را میسر ساخت.

منابع

- BagheriZanuri, B, Elmi, M (2010). "The relationship between gender and some demographic variables with the feeling of social anomie among students of the Islamic Azad University of Tabriz" *Woman and Family Studies*, No. 8, pp. 55-67. (in Persian)
- Bashir, H; Afrasiabi, M (2012). Internet Networks and Youth Lifestyle, A Case Study of the Largest Iranian Virtual Community, *Cultural Research Quarterly*, Volume 5, Number 1. (in Persian)
- Bidi, F; Sharifinia, M; Hatami, M (2017). "The Impact of Cyberspace on Lifestyle", *Lean Life*, Volume 4, Number 12, pp. 11-31. (in Persian)
- Coser, L; Rosenberg, B (1999). "*Fundamental Sociological Theories*", Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Cullen, J. B., Parboteeah, K. P., & Hoegl, M. (2004). Cross-national differences in managers' willingness to justify ethically suspect behaviors: A test of institutional anomie theory. *Academy of Management Journal*, 47(3), 411-421.
- Durikum, Emile (1999). *Suicide*, translated by Nader Salarzadeh, Tehran. (in Persian)
- Durkheim, E. (1960). 1930 Le suicide: étude de sociologie, new edition, Paris: Alcan; 1952 Suicide, tr. J. Spaulding and G. Simpson.
- Fathi, S (2014). "Study of the relationship between the consumption of virtual social networks and the lifestyle of young people, a study of the youth of Khalkhal", *Chassis Society of Youth Studies*, Volume 4, Number 13, pp. 69-88. (in Persian)
- Giddens, A (2013). "*Fundamentals of Sociology*", translated by Manouchehr Sabouri, fifth edition, Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Gündüz, Uğur, (2017). The Effect of Social Media on Identity Construction, *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol 8 No 5, 92-85.

- Haghparast, A, Qayyumi, A, AmirHosseini, Z (2017). "The relationship between capital and social health and media literacy with the reduction of moral damage in the social network Instagram" *Intercultural Studies*, No. 35, pp. 41-70. (in Persian)
- HosseiniNesar, M, FeyzSabet, M, ShabAfrozan, S (2015). "Social anomie and the factors affecting it studied in Rasht", *Journal of Cultural Management*, Volume 9, Number 21, pp. 19-32. (in Persian)
- Huang, A. S. (2004). *The bright and dark side of cyberspace: the paradoxical media effects of internet use on gratifications, addiction, social and psychological well-being among taiwan's net-generation* (Doctoral dissertation, Southern Illinois University at Carbondale).
- Magomedov, G. B., Veretennikova, E. V., Ulyankin, S. V., Martynenko, S. E., Ilkevich, T. G., Karnaukh, I. S., & Borisova, L. V. (2019). Healthy lifestyle and social networks: Trajectory of their intersections in student life. *Journal of Environmental Treatment Techniques*, 7(3), 389-393.
- Mazidi Sharafabadi, M; Taghipour, F; Afshani, S (2018). "A qualitative study of youth use of social media, a grounded theory", *Social Security Studies*, No. 53, pp. 87-130(in Persian)
- Merton, R.K. (1968), *Social Theory and Social Structure*, New York: Free press.
- Mestrovic, Stephan, G & Ronald. Lorenzo (2008) Durkheim concept of Anomie and the abuse at abu ghohraib, *Journal of classical society*, vol.8.no.2. pp: 207-179.
- Moeidfard, S (2006)., "*Sociology of Social Issues in Iran*", Noor Alam Publishing, Tehran. (in Persian)
- MohseniTabrizi, A (2002). "*Pathology of Social-French Alienation, A Study of Value Isolation in Public Universities*", Research and Planning in Higher Education, No. 26. (in Persian)

- MohseniTabrizi, A (2004), "***Vandalism, Fundamentals of Social Psychology, Sociology and Psychology of Vandalism Behavior in Pathology and Social Abuse***", Tehran, its publications. (in Persian)
- Mommtaz, F (2002). "***Social Deviations of Theories and Perspectives***", Publishing Company, Tehran. (in Persian)
- Mozaffarinia, S; Ghasemipour, M (2017). "Study of the relationship between cyberspace-influenced lifestyle and emotional divorce in Ilam", ***Ilam Culture Quarterly***, Volume 18, Number 56, pp. 171-191(in Persian)
- Nawabakhsh, M; Hashemnejad, F, Zadeshmpour, V (2010). "Effects of Internet and Mobile in Changing the Identity of Youth aged 15-29 in Mazandaran Province, ***Quarterly Journal of Sociological Studies of Youth***, Volume 1, Number 1, pp. 145-170. (in Persian)
- Rahimi, M, Fathi, L, Afrasiabi, F, EskandariAndbili, R (2019). "Study of the relationship between virtual social networks and the tendency to moral anomalies", ***Social Regulation***, Volume 11, Number 2, pp. 135-159. (in Persian)
- Rheingold, H. 1993a, "***A Slice of Life in My Virtual Community.***" In L. Harasim (ed.), *Global Networks. Computers and International Communication*, Cambridge, MA: The MIT Press, 57-80.
- Safiri, Kh; ZakeriHamaneh, R (2014). "Building the concept of trust in the spouse in cyberspace studied by women living in Yazd", ***Women and Society***, Year 5, Number 2, pp. 1-30. (in Persian)
- Shaygan, F, Rahimi, M (2015). "Sociological study of the relationship between the consumption of virtual social coins and the tendency to moral deviations in the study of young people aged 15 to 29 in Tehran", ***Strategic Studies in Sports and Youth***, Volume 15, Number 34, pp. 1-34. (in Persian)
- Siegel, L.J. (2001), ***Criminology, theories, patterns and typology***, seven editions.
- Siegel, Larry, J (2003), ***Criminology, Wadsworth, A Division of***



Thomson learning Inc.

- Talebpour, A, Mansouri, F, Rostami, T (2017). "The effect of unconventional and uncontrolled use of virtual social networks on the tendency of young people to study social anomalies in Kermanshah", *Iranian Social Issues*, Volume 8, Number 2, pp. 103-126. (in Persian)
- Taqadosi, M, Mazaheri, M, Shokri, O (2015). "Facing People with Situations in Cyberspace and the Real World", *Contemporary Psychology*, No. 10, pp. 320-324. (in Persian)
- Turner, Jonathan and El Bigley (1991). *The Origin of Sociological Theory*, translated by Abdolali Lahsaeizadeh, Shiraz, Farhang Publishing. (in Persian)
- Yucedal, B. (2010). *Victimization in cyberspace: An application of Routine Activity and Lifestyle Exposure theories* (Doctoral dissertation, Kent State University).